



اغراض شعری و آرایه‌های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی

علیرضا صحیحی*

چکیده:

ابوالرضا راوندی از عالمان و ادیبان و مصنفان برجسته شیعی در سده ششم هجری است. از وی دیوان شعری بر جای مانده است که از یادگارهای ادبیات عربی در دوره سلجوقی است. در این دیوان، تصویری از اوضاع اجتماعی و فرهنگی کاشان نمایان است. از آن جمله است گزارش هجوم ملک سلجوق به منطقه کاشان و همچنین، معرفی بزرگان شهر و خدمات عام المنفعه آنان. یکی از گزینه‌های مورد بررسی در دیوان راوندی، مبحث اغراض شعری و بلاغی است. در بحث اغراض شعری، مدح، تهنیت، مرثیه، اعتذار، شکایت، نصیحت، مناجات، حکمت و چیستان، گرایش غالب دارد. در بلاغت شعری نیز این دیوان اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد که مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از: تقسیم، اقتباس، تلمیح، مقابله، تجرید، عکس، مبالغه، طباق، مراعات نظیر، انواع جناس، تضمین، کنایه، استعاره و مجاز. با بررسی این آرایه‌ها درمی‌یابیم گرچه وی واجد سبک و ابداع چندانی در شعر عربی نیست، اما طبع نازک، مهارت در عرب‌سرایی و همچنین، بیان عقاید شیعی و توجه به اوضاع اجتماعی مردم کاشان در دوران سلجوقی، اثری بدیع از دیوان وی ساخته است.

کلیدواژه‌ها: ابوالرضا راوندی، راوند، کاشان، شعر.

* دکترای زبان و ادبیات عربی / sahihh.alireza@gmail.com

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



۱۴۶

مقدمه

شعر همواره در میان ایرانیان، جایگاه ویژه‌ای داشته و متعالی‌ترین خواسته‌ها و آرمان‌های لطیف روح مردم ایران زمین، در زبان شعر تبلور یافته است. با گسترش اسلام و استقبال ایرانیان از زبان عربی، به‌عنوان زبان قرآن، شاعران پارسی‌گوی به سرودن اشعار عربی روی آوردند. در میان شاعران پارسی‌زبان عربی‌سرا، شاعران بنام یا گمنام کاشانی که شمار زیادی از آن‌ها در زمره عالمان دین، عارفان، مفسران و دانشمندان حوزه‌های مختلف علمی هستند، با وجود آنکه زبان مادریشان فارسی است، با سروده‌های عربی خود، به طور قابل توجهی، در اشعار عربی سهیم شدند. یکی از این شاعران، سید ضیاء‌الدین ابوالرضا حسنی راوندی کاشانی، از بزرگان علمای شیعه امامیه در قرن ششم هجری و از جمله شاعران فارسی‌زبان تازی‌سراسر است که می‌توان گفت در سرودن شعر به زبان عربی، در ردیف شاعران نامی عرب قرار دارد و در موضوعات گوناگون شعری مانند مدح و وصف و غزل و رثاء شعر سروده است، واکاوی سروده‌های او ثابت می‌کند که وی در چکامه‌های خود، بیشتر، از شعر سنتی عرب اثر پذیرفته است.

راوندی در سال ۴۸۳ ق به دنیا آمد و در سال ۵۷۰ ق در ۸۷ سالگی درگذشت.

۱. تصنیفات و تألیفات

آثار قلمی و کتب علمی و رسائل نفیس سید ابوالرضا که می‌توان از آن به‌عنوان میراث سلف برای خلف یاد کرد، فراوان است. برخی از این آثار عبارت‌اند از: ۱. ادعیة السّر؛ ۲. الأربعین فی الأحادیث؛ ۳. ترجمه العلوٰی للطبّ الرضوی؛ ۴. الحاشیة علی أُمالی المرتضی؛ ۵. شرح نهج البلاغه؛ ۶. الکافی فی التفسیر؛ ۷. النوادر؛ ۸. خیر مولانا القائم (عج)؛ ۹. الحماسة ذات الحواشی؛ ۱۰. الموجز الکافی فی علمی العروض و القوافی؛ ۱۱. المدائح المجدیة؛ ۱۲. دیوان راوندی.

آنچه محرز است این است که او بیش از یک دیوان داشته است. اشعاری که او در مناسبت‌های مذهبی و اغراض دینی و قضایدی که در مدح و سوگ اهل بیت (ع) سروده، در دیوان مخصوصی جمع‌آوری شده که به دست ما نرسیده است. دیوانی که اکنون از او در دست ماست، مشتمل بر مطالبی غیر از موضوعات فوق است.

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی



متأسفانه این دیوان موجود هم به طور کامل، همه قصاید را در بر ندارد و برخی از قصاید هم به صورت کامل، در آن درج نشده است. دیوان موجود ۱۸۶۰ بیت دارد که توسط محدث، سید جلال‌الدین ارموی، تحقیق و تصحیح شد و در سال ۱۳۴۴ به چاپ رسید.

۲. اوضاع تاریخی در روزگار سید ابوالرضا راوندی

ایران از قرن سوم به بعد، زیر سیطره سلسله‌های پادشاهی ایرانی چون طاهریان، صفاریان، ساسانیان و... با نظارت خلفای عباسی اداره می‌شده است. در قرن چهارم، حکومت آل بویه در ایران ظهور کرد و فرصتی به وجود آمد تا مکتب تشیع انتشار یابد؛ از این رو، قرن چهارم دوره شکوفایی مکتب تشیع است. زمینه‌ساز این شکوفایی، برپایی چهار دولت شیعه‌مذهب [آل بویه در ایران و عراق، فاطمیون در مصر، حمدانیون در سوریه و زیدیون در یمن] است. در این روزگار است که شخصیت‌های بزرگی همچون شیخ صدوق، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی و برتر از همه، شیخ مفید طلوع کردند؛ اما دیری نپایید که حکومت آل بویه در قرن پنجم منقرض شد و حکومت متحجر عقل‌ستیز سلجوقیان بر سر کار آمد. حکومتی که جور و ستم بر شیعیان را وجهه همت خود ساخت. شاهد این امر، ویران شدن قم، کاشان، راوند و کشتار شیعیان این مناطق به دست سلجوقیان است. (النوادر، ص ۳۹-۴۲) علامه سید ابوالرضا راوندی در چنین روزگاری به دنیا آمد. او بیست ساله بود که استادش «عبدالواحد رویانی» به دست فرقه اسماعیلیه به شهادت رسید. سی سال پس از این ماجرا زادگاه او راوند و شهر کاشان در معرض تاخت و تاز وحشیانه یکی از شاهزادگان سلجوقی [سلجوق بن محمد بن ملک شاه] واقع شد. سید ابوالرضا در دیوان خود، از این ماجرا در قصیده‌ای با ۱۰۵ بیت یاد کرده است.

راموا الوقوف بأردهار ریثما تأوی أشائبهم مع السلطان
فاستجمعوا متوافرین و شمروا مُسْتَبْطِنَ کوامن الأضغان
قصدا البارکرسف قریه مشهد السبط المطهر من بنی عدنان
فأنفل عزمهم و لم يتجاسروا أن یقدموا فیه علی طغیان
(دیوان سید، ص ۸۲)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



سید ابوالرضا در این قصیده، به طور خلاصه گوشزد می‌کند که لشکر مجهز ملک سلجوق در هجوم به اردهار و قصد تجاوز به روستای بارکرسف و تخریب مشهد پشیمان شدند و گذشته از عظمت ظاهری و زینت بقعه و آمدن مردم به زیارت از دور و نزدیک، ترسی در دل آنها ایجاد شد و تمام گروه آنها برگشتند و هیچ جسارتی نمودند. (الطرائف الجعفریة، ص ۱۶-۱۷)

۳. ولایت‌مداری

ابوالرضا راوندی اخلاص و ارادت عجیبی به ساحت مقدس نبی اکرم (ص) و معصومین (ع) داشت. او به‌عنوان فرد شیعه واقعی دوازده‌امامی، در قصیده زیر، به مدح رسول اکرم (ص) و توصیف و ستایش امامان معصوم بعد از آن حضرت می‌پردازد.

محمّدٌ خیر مبعوثٍ وأفضَلُ مَنْ	مَشَى عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حَافٍ وَ مُتَّعِلٍ
مَنْ دِينُهُ نَسَخَ الْأَدْيَانَ أَجْمَعَهَا	و دُورَ مَلَّتَهُ غَفَاً عَلَى الْمَلَلِ
ثُمَّ الْإِمَامَةُ مُهْدَاةٌ مَرْتَبَةٌ	مِنْ بَعْدِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى
مَنْ بَعْدَهُ ابْنَاهُ وَ ابْنَاتُ سَيِّدِنَا	مُحَمَّدٍ ثُمَّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَى
وَ الْبَاقِرِ الْعَلَمِ عَنْ أَسْرَارِ حِكْمَتِهِ	وَ الصَّادِقِ الْبِرِّ لَمْ يَكْذِبْ وَلَمْ يَحْلِ
وَ الْكَاطِمِ الْغَيْظِ لَمْ يَنْقُضْ مَرُوتَهُ	ثُمَّ الرِّضَا لَمْ يَفِهِ وَاللَّهُ بِالزَّلِّ
ثُمَّ التَّقِيِّ مَتَى عَافَ الْأَنْامَ مَعَاً	قَوْلَاً وَ فِعْلاً فَلَمْ يَفْعَلْ وَلَمْ يَقُلْ
ثُمَّ التَّقِيِّ ابْنِهِ وَ الْعَسْكَرِيِّ وَ مَنْ	يَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ رَجَسٍ وَ مِنْ دَخَلِ
الْقَائِمِ الْعَدْلِ وَ الْحَاكِمِ بَطْلَعَتِهِ	طُلُوعِ بَدْرِ الدُّجَى فِي دَامَسِ الطِّفْلِ
تَنْشَقُّ ظُلْمَهُ ظُلْمِ الْأَرْضِ مِنْ قَمَرِ	إِشْرَاقِ دَوْلَتِهِ يَأْتِي عَلَى الدُّوَلِ

(دیوان سید، ص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۱/۳۲۲)

۴. ارادت به علی بن محمد الباقر (ع)

ابوالرضا راوندی نخستین عالم شیعی است که در مدح و ستایش علی بن امام محمد باقر (ع) شعر سروده و به بیان جلالت این امامزاده پرداخته است. (الطرائف الجعفریة، ص ۱۵) شاعر در قصیده‌ای که برای تمجید از مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود کاشانی سروده است، قصیده‌اش را با این مطلع آغاز کرده است:

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی

نعم حلب العین اعتراف الضمائر كما حلب القلب اختلاف المناظر
(دیوان سید، ص ۵۰)

و در ادامه، برای بیان ارادت خویش به خاندان اهل بیت(ع)، به مدح علی بن امام
محمد باقر(ع) پرداخته و سروده است:

وَمَشَّهَدٌ صِدْقٍ أَوْدَعَ اللهُ بَطْنَهُ ودیعه سیراً من کرامِ اُخایر
أبا الحسن بن الباقر السید الّذی غدا لعلومِ الدینِ أبقرَ باقر
(همان، ص ۵۲)

یعنی خداوند در دل خاک مشهد و مزار او یکی از ذخیره‌های بزرگ و کریم
ابوالحسن فرزند امام باقر(ع) را امانت قرار داد؛ همو که پدر بزرگوارش شکافنده
علوم بود.

وی در جای دیگر سروده است:

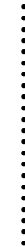
تَوَسَّلْتُ فِيهَا بِالْفَتَى ابْنِ الْفَتَى الَّذِي تَوَطَّنَ هَذَا الْمَشْهَدَ الطَّاهِرَ الطُّهْرَا
عَنَيْتُ ابْنَ بِنْتِ الْمُصْطَفَى وَ وَصِيَّه أَخَا الصَّادِقِ بْنِ الْبَاقِرِ السَّيِّدِ الْخَبْرَا
(همان، ص ۱۲۷)

این قصیده را مرحوم سید به‌عنوان تشکر از مجدالدین سروده است.

۵. اغراض شعری

سید ابوالرضا شاعری مدیحه‌سراست. او در اشعار خود، حضرت رسول اکرم(ص) و
امامان معصوم(ع) و مجدالدین و خانواده‌اش و برخی از وزرا را ستوده است. او با
سرودن قصایدی در مدح و منقبت معصومان(ع)، ارادت خویش را به این خاندان
نشان داده است. همچنین با سرودن قصایدی در مدح خاندان مجدالدین و
بهاءالدین، ایثار و سخاوت آن‌ها را ارج نهاده و با خلق قصیده تاریخی نوبیه خود،
هجوم و حشیانه سپاه ملک‌شاه سلجوقی به منطقه مشهد اردهار (اردهال) و روستای
بارکرسف و خرابی‌هایی را که به بار آوردند، به تصویر کشیده و با مردم آن سامان
همدردی نموده و بدین طریق، اوج حسّ نوع‌دوستی و مؤاخات را به نمایش گذاشته

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲
است.



۵-۱. مدح

دیوان شعری که از سید ابوالرضا موجود است، ۱۹۱۵ بیت دارد. ۵۵ بیت آن، ابیاتی است که دیگران سروده‌اند و ۱۸۶۰ بیت آن متعلق به سید ابوالرضاست و چیزی حدود ۱۰۰۰ بیت آن در مدح وزرا و مجدالدین و خاندانش سروده شده است.

مجدالدین، ابوالقاسم، عبیدالله بن فضل بن محمود (وفات ۵۳۵ ق): یکی از ممدوحان بزرگ سید ابوالرضاست. بخش زیادی از اشعار مدحی این شاعر در مدح اوست، زیرا ۹۳۸ بیت از ابیات این دیوان در مدح او و خاندانش می‌باشد؛ ۵۸۶ بیت آن در مدح خود مجدالدین و ۳۵۲ بیت آن در مدح بهاءالدین، برادر او، بیان شده است؛ لذا می‌توان گفت تقریباً نصف محتویات دیوان حاضر در مدح مجدالدین و خاندان او سروده شده است.

مجدالدین فردی بسیار متدین، متقی، عابد، زاهد، بلندهمت، سخی الطبع، فاضل، دانش‌دوست و هنرپرور بوده است و ثروت زیادی هم داشته است که بخش اعظم آن را در راه خیرات و مبرات صرف کرده است. ابوالرضا این اقدامات تمجید و ستایش کرده؛ از جمله:

– سرپرستی ارامل و ایتام

ناظم در ابیات زیر به همین موضوع اشاره کرده است:

مِنَ لِلْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى وَ الْمُحَصَّنَاتِ مِنَ الْآيَامَى
وَأُولَى الْخِصَاصَةِ مِنَ بِيَوَى تِ الْمَجْدُ ضَمَّتَهُمْ لَزَامَى
وَ مَخْدَرَاتِ رِزْقِهِنَّ مَهْنَى عَاماً فَعَامَا

(دیوان سید، ص ۱۱)

– تزویج و اعطاء جهیزیه به دختران بی سرپرست (۲۰۰۰ عروس)

شاعر در این باره سروده است:

وَ زَوَّجَهُنَّ بِالْأَكْفَاءِ حَتَّى جَلَا مِنْ مَالِهِ أَلْفَى عُرُوسِ

(همان، ص ۶۰)

– ساخت مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها، پل‌ها، کاروانسراها و خانقاه‌ها

شاعر در این ابیات به آن اشاره می‌کند:

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی

و أثن على آثاره الغرر التي ستبقى على مرّ الليالي الغوابر
مساجده داراته و قنيه مدارسه خاناته و القناطر
قناطر لم يعقدن إلّا بهمة اذا اعتزمت لم تأب نشر القناطر

(همان، ص ۵۲)

و از جمله بنای مدرسه مجدیه که سیدابوالرضا در شأن این مدرسه، ارتجالاً چنین سروده است:

و مدرسه أرضها كالسما تجلّت علينا بأفاقها
كواكبها غرّ أصحابها وأبراجها غرّ أطباقها
وصاحبها الشمس ما بينهم تُضئ الظلام بإشراقها
فلو أنّ بلقيس مرّت بها لأهوت لتكشف عن ساقها
وظنته صرح سليمان إذ يمرّد بالجنّ حذاقها

(همان، ص ۱۹۸)

محقق توانا، علی دوانی از عالم جلیل القدر، سید علیخان مدنی، صاحب کتاب *الدرجات الرفیعه* نقل می کند: «مدرسه بزرگ مجدیه در روی زمین نظیر نداشته است. بسیاری از علما و فضلا و زهاد و حجاج در آن سکونت داشته اند.» (الدرجات الرفیعه، ص ۵۰۶)

سید ابوالرضا از مجدالدین به عنوان «ناصر اسلام» یاد کرده است:

إلی نور مجدالدین و السید الذی إلیه یؤولُ المجدُّ حیث یؤولُ
إلی ناصر الإسلام إن تبدُّ عثرةً به فهو من دون الأنام مُقیلاً

(همان، ص ۷)

و در جای دیگر، با همین لقب از وی یاد کرده و می گوید:

أعطیت یا ناصر الإسلام واحدهً إن العطاء مقادیر و أوزان
بقیت یا ناصر الإسلام و اتصلت من عرقکم فی سماءِ المجدِ أغصانُ
فأنتم المقصد الأعلى و بیئکم بیت العلاء وللعلاء بُنیانُ

(همان، ص ۱۴)

پژوهش نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲

هو الناصر الاسلام شرقاً و مغرباً اذا لم يكن يوماً سواه نصير
(همان، ص ۳۵)

البته سید ابوالرضا در دیوان خود، از «مجدالدین» دیگری هم یاد کرده و او «مجدالدین، ابوالحسن، محمد بن علی بن موسی» است که شرح حال دقیقی از او در دست نیست. شاعر ابیات زیر را در مدح او سروده است:

ذاک مجدالدین حقاً إنه ماسیحٌ من وجنتیه الدرنا
و بهاء هو للاسلام من بعد أن قد أضلّ لیلأ مدجنا
و أخو الفضل حقیقاً و ابو کلّ شیءٍ کان يوماً حسناً
کم لمجد الدین من مکرمه نقد العمر علیها ثمنا
(همان، ص ۲۰)

در قصیده دیگری، از تعبیر «هو الدهر، هو البحر، هو البدر، هو اللیث، هو الغیث و هو الأرض» در مدح او استفاده کرده و قصیده مزبور را با این بیت به پایان می‌رساند:

و إن تک أبحرهما سبعةً و عشرٌ أناملها أبجرُ
(همان، ص ۱۲۴)

۲-۵. تهنیت

یکی دیگر از اغراض شعری سید ابوالرضا، عرض تبریک و تهنیت است که به مناسبت‌های زیر انجام گرفته است:

- بچه‌دار شدن برخی از بزرگان بعد از آنکه از داشتن بچه ناامید شده بودند.

مرحباً بالظالع المشتهر مرحباً [بأ] لکوکب ابن القمر
فأتت غرتّه شادخهً تتراءى فی جباه الغرر
(همان، ص ۴۲ و ۴۳)

- فرارسیدن عید نوروز

یا مجدّ دین الله دعوه خادم فی صالح الدعوات غیر مقصّر
هنئت بالنیروز اسعد قادم بالعزّ و العمر المدید مبشّر

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی

فاسعد به و اعمر طويلاً واستدم مدد البقاء فأنت خير معمر
(همان، ص ۱۰)

- فرارسیدن عید فطر

ناصر الإسلام عيد ألف عام في ذرى عز رهين بالدوام
كان عيد الفطر مشتاقاً إلى وجهك الطلق فوافي للسلام
إن يكن للفطر عيد فلتكن كل أيامك أعياد الأنام
مجموع ابیات سید ابوالرضا در موضوع تهنیت، ۹۹ بیت است.

۳-۵. رثا و تعزیت

أرأيت من حملوه للتدفين و نَحَوِه للتحنيط والتكفين
أرأيت أي سراج إسلام خبا دجت الدثني لخبوه في الحين
(همان، ص ۴۳)
۲۴۵ بیت از ابیات دیوان سید ابوالرضا در موضوع سوگ و رثا گفته شده است.

۴-۵. اعتذار

علاوه بر مدایح، در شعر غنایی خود در باب اعتذار به درگاه خداوند و آرزوی بخشش نیز سروده‌هایی دارد؛ از جمله:
إلى الرحمن ثم إليه عذري من الغفلات فليسمح بهالي
لئن قصرتُ جهراً في دعائي لَه إن الضمير له مؤالـ
(همان، ص ۱۳۸)

شاعر به دلیل کوتاهی درباره دعا کردن در حق مختص‌الدین که در مجلس وعظ او در مدرسه مجدیه حاضر شده بود، اولاً به پیشگاه خدای سبحان و ثانیاً از محضر مختص‌الدین (مرجع ضمیر «ه» مختص‌الدین است) عذرخواهی می‌کند.

۵-۵. حبّ (عشق)

شاعر از عشق خود به بهاء‌الدین سخن آورده و می‌گوید:
دمعی و دمی کلاهما مسفوح في حبك و القلب لقي مطروح

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲

یا روح فداک قلبی المجروح

هَذَا وَبِالْقَلْبِ يَفَادِي الرُّوحَ
(همان، ص ۶۲)

۵-۶. شکایت (شکوی)

أَنْتِ بَقَاسَانٍ غَرِيبٍ حَرِيبٍ
بَلْ هُوَ مِنْ فِقْدَانِ جَنْسِيٍّ بِهَا

و لَيْسَ ذَا أَنْ لَيْسَ فِيهَا قَرِيبٍ
وَالْفَاقِدُ الْجَنْسِ غَرِيبٌ غَرِيبٍ
(همانجا)

۵-۷. نُصْحٌ وَ إِرْشَادٌ

إِسْمَعْ هُدَيْتَ وَ خَيْرُ الْقَوْلِ أَنْصَحُهُ
كُنْ فِي الذَّرَى مَلَكًا أَوْ فِي الثَّرَى سَقَطًا

وَلَا تَكُنْ فِي اسْتِمَاعِ النَّصْحِ ذَا شَطَطٍ
وَلَا تَكُنْ وَسَطًا لِأَخِيرٍ فِي الْوَسَطِ
(همان، ص ۱۰۴)

علاوه بر آنچه آوردیم، سید ابوالرضا راوندی اشعاری در مناجات باری تعالی و بیان حکمت و ابیاتی لغزگونه نیز دارد:

۵-۸. مناجات

أَنْتَ إِلَهِي وَ أَنْتَ مُعْتَمَدِي
أَنْتَ الَّذِي إِنْ عَثَرْتُ قُلْتُ لَهُ

وَ أَنْتَ دُونَ الْأَنْامِ مُسْتَنَدِي
يَا سَيِّدِي قَدْ عَثَرْتُ خَذُّ بِيَدِي
(همان، ص ۱۰۴)

۵-۹. حکمت

هِيَ الدُّنْيَا تَغْرُكُ بِالْمَنَى هِيَ
وَ لَوْ أَنْصَفْتَ نَفْسَكَ لَمْ تَدَعْهَا

وَ تَصَدَّفُ عَنِ مَحَاذِرِ الْمَنَاهِي
تَتَوَقَّأُ إِلَى التَّحَاوُسِّ وَ التَّبَاهِي
(همان، ص ۱۰۴)

۵-۱۰. لغز و أحجیه (چیستان)

أَقْبَلُ كَالْبَدْرِ فِي مَدَارِعِهِ
أَوَّلُهُ رِبْعٌ عَشْرٌ ثَالِثُهُ

يَشْرِقُ فِي السَّعْدِ مِنْ مَطَالِعِهِ
وَ رِبْعٌ ثَانِيهِ جَنْدَرُ رَابِعِهِ
شاعر این چیستان را برای پسرش احمد یا شخص دیگری به اسم احمد گفته

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی

است. (همان، ص ۱۹۸)

(بر اساس مصرع دوم و سوم با تطابق این اعداد با حروف ابجد، کلمه احمد نمایان می‌شود که نام فرزند این شاعر است.)

۶. سبک شعر راوندی

اغراضی مانند مدح و هجو و رثا و اعتذار و فراوانی نوستالژی و مقدمه‌های طللی و توصیف منازل، نشانگر تقلید راوندی از سبک شاعران قدیم است. اما این امر به هیچ وجه به معنای نفی ارزش راوندی و توان شاعری او نیست. درست است که او شاعری سنتی است، بی‌شک شاعری توانا و مسلط بر انواع شیوه‌های سخنوری است.

۶-۱. سطح زبانی

شعر راوندی در سطح زبانی یعنی موسیقی، واژگان و ساختارهای دستوری (صرف و نحو) نکته چشمگیر و ویژه‌ای ندارد و همان سبک و سیاق اشعار شاعران قدیم را دارد و بیشتر سروده‌های او در بحرهای طویل و بسیط و کامل و متقارب است.

۶-۲. سطح بلاغی

شعر راوندی نشان می‌دهد که وی بلاغت و فنون بلاغی را به خوبی می‌شناخته و در شعر خویش، بسیار و به‌جا از آن‌ها بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که می‌توان نمونه‌های بسیاری از انواع شگردهای بدیعی و بیانی، به‌ویژه آرایه‌های لفظی و به‌خصوص انواع جناس را در اشعار وی مشاهده کرد.

۶-۲-۱. تشبیه بلیغ

هو الغیث تجّاجاً هو اللیث غادياً هو البحر یردی تارةً و ینیل
(دیوان سید، ص ۷)

۶-۲-۲. تقسیم

هم القوم إن جادوا آجادوا و إن ابوا آبادوا و إن هم صاولوا ففحولُ
و إن أحسنوا عادوا و إن عاونوا كفّوا و إن نطقوا قال الأنام فصولُ
(همان، ص ۸)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲

۶-۲-۳. اقتباس

ألقى عصاً عدلك الفياض فالتهمت ما يَأفكون التهاماً هي تُعبانُ
(همان، ص ۱۴)

مضمون این بیت از آیه شریفه «فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» (شعراء: ۴۵) گرفته شده است. نظیر این آیه در سوره اعراف هم آمده است. (ر.ک: آیه ۱۰۷)
هذا اذا زلت الأقدام داحضةً والتفت الساقُ يا مغرور بالساق
(همان، ص ۹۶)

مصرع دوم از آیه ۲۴ سوره قیامت گرفته شده است.

۶-۲-۴. تلمیح

خبط الليل واستشَبَّ وقوداً لم ينازعه مرخه و العفار
(همان، ص ۲۴)

این بیت تلمیحی است به مثل معروف «فی کل شجر نار، واستمجد المرخ والعفار»، مرخ و عفار نام دو درخت است که زناد از آن‌ها گرفته می‌شود. (نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، ۱/۱۸۷)

۶-۲-۵. مقابله

ولبريولى العبيد عتاقاً و ببرٍ يستعبد الأحرارا
«بر» اولی به معنای جلب رضایت خداوند است و «بر» دوم به معنای عطیه و احسان است؛ بنابراین، در این بیت، آرایه جناس هم به چشم می‌خورد. (همان، ص ۲۵)

۶-۲-۶. تجرید

نداه ندى ما يخطئ الناس ساعة ولى منه غيث ما يغيب مطير
در مصراع دوم، به واسطه حرف جر «من»، تجرید صورت گرفته است. (همان، ص ۳۷)

۶-۲-۷. عکس

فيسمعه منجداً غائرٌ و يسمعه غائراً منجداً
(همان، ص ۵۰)

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی

۶-۲-۸. مبالغه

و حَدِيثُهَا سَحْرٌ إِذَا نَطَقَتْ لَوْ كَانَ طَعْمُ الشَّهْدِ لِلسَّحْرِ
وَجَبِينَهَا بَدْرُ التَّمَامِ إِذَا حَاذَاكَ لَوْلَا كَلْفَةُ البَدْرِ
(همان، ص ۹۲)

و در جای دیگر می گوید:

وَمَا كَانَ لِلإِسْلَامِ لَوْلَاهُ رَوْنَقٌ وَلَا لِقَضِيَّاتِ الشَّرِيعَةِ نُورٌ
(همان، ص ۳۵)

۶-۲-۹. طباق

لَهُمْ رُوحِي الفِدَاءِ أَحْسَنُوا بِى أَسَاؤُوا
(همان، ص ۱۱۶)

بین «أَحْسَنُوا» و «أَسَاؤُوا» طباق ایجابی دیده می شود. (طباق آن بین دو فعل است.)

فَنَحْنُ أَكْثَرُ مَا تَشْدُوهُ أَلْسِنَا بَيْتٌ تَرَدَّدَهُ سِرًّا وَ إِعْلَانًا
(همان، ص ۱۵)

در این بیت، بین دو اسم (سر - اعلان) طباق برقرار کرده است.

۶-۲-۱۰. مراعات نظیر

لَيْثٌ حَرْبٍ إِنْ يَلْقَهُ لَيْثٌ حَرْبٍ يَسْتَلْبَهُ الأَنْبِيَابُ وَ الأَظْفَارُ
«انبیاب» با «اظفار» دارای مراعات نظیر است.

۶-۲-۱۱. انواع جناس

۶-۲-۱۱-۱. جناس تام مستوفی

أَسِيرٌ وَ قَلْبِي فِي هَوَاكِ أَسِيرٌ وَ ذَلِكَ مَنْى لَوْ عَلِمْتَ يَسِيرٌ
(همان، ص ۳۴)

بین «أسیر» و «یسیر» جناس ناقص هم وجود دارد.

۶-۲-۱۱-۲. جناس تام مماثل

مَسَاجِدُهُ دَارَاتُهُ وَ قُنِيهِ مَدَارِسُهُ خَانَاتُهُ وَ القَنَاظِرُ

پژوهش نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲

قناطر لم يعقدن إلبا بهممه إذا اعتزمت لم تأب نشر القناطر
(همان، ص ۵۲)

«قناطر» اولی و دومی جمع «قنطره» و به معنای پل است. «قناطر» سومی مخفف
«قناطیر» جمع «قنطار» و به معنای مقدار زیادی از طلا و نقره است.

۳-۱۱-۲-۶. جناس ناقص مردوف

من لِبَرِقٍ عَلَى الْبُرَاقِ أَنْارَا مَلَأَ الْخَافِقِينَ نُورًا وَ نَارَا
(همان، ص ۲۴)

۴-۱۱-۲-۶. جناس ناقص مکتنف

مَنْ لِبَرِقٍ عَلَى الْبُرَاقِ أَنْارَا مَلَأَ الْخَافِقِينَ نُورًا وَ نَارَا
(همان جا)

۵-۱۱-۲-۶. جناس اشتقاق

مَنْ لِبَرِقٍ عَلَى الْبُرَاقِ أَنْارَا مَلَأَ الْخَافِقِينَ نُورًا وَ نَارَا
(همان جا)

۶-۱۱-۲-۶. جناس محرف

زارنی البدر عن مطال مُطال يا سقى الله ذلك الازديارا
(همان، ص ۲۵)

«مطال» مصدر باب مفاعله است و «مُطال» اسم مفعول از «أطال» است.

۷-۱۱-۲-۶. جناس لاحق

أنا في مضيض هوى و حرّ جوى لفضيض تلك الوضّح الغرّ
(همان، ص ۹۳)

۸-۱۱-۲-۶. جناس مضارع

أنا في مضيض هوى و حرّ جوى لفضيض تلك الوضّح الغرّ
(همان جا)

۹-۱۱-۲-۶. جناس لفظی

فكأنهنّ قيان لهو قضّيت أوطاره و ترنّمت أوتاره
(همان، ص ۶۶)

اغراض شعری و
آرایه‌های بلاغی
در دیوان
ابوالرضا راوندی

* موارد فراوانی از جناس در شعر سید ابوالرضا به چشم می‌خورد که برای نمونه می‌توان به صفحات ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۶۲، ۷۰، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۰۶، ۱۱۱ و ۱۱۷ دیوان او اشاره کرد.

۶-۲-۱۲. تضمین

فنحن أكثر ما تشدوه ألسننا بیت تردده سرّاً وإعلاناً
«یا طالع السعد أطلع وجهک الآنَا حُییت عَنَّا إیننا الآنَا آنَ آنَا»
(همان، ص ۱۵)

* بیت دوم از سروده‌های ابی‌بکر قهستانی است که سید ابوالرضا آن را در شعر خود گنجانده است. (همان‌جا، پاورقی مصحح و تعلیقات ۲۶۹)

۶-۲-۱۳. کنایه

فاستجمعوا متوافرین وشمروا مستبتین کوامنَ الأضغانِ
(همان، ص ۸۲)

«کوامن الأضغان» کنایه از موصوف است که همان قلب باشد.

۶-۲-۱۴. استعاره

وأطالما حلب العیون دموعها بمواعظ ملء الفؤاد عیون
(همان، ص ۴۴)

۶-۲-۱۵. مجاز حذف

إن وفاءً فوفاءً أو جففاءً فجفاءً
«وفاءً» و «جفاءً» خبر برای «کان» محذوف‌اند که با اسمش حذف شده و «وفاءً» و «جفاءً» خبر برای مبتدای محذوف‌اند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، برمی‌آید که سید ابوالرضا، شاعر پارسی‌زبان تازی‌سرایبی است که سبک شخصی و مستقلی ندارد و ویژگی‌های شعری او، همان ویژگی‌های شعر شاعران قدیم است؛ بنابراین، او بیشتر یک شاعر مقلد است تا مبدع و این چیزی است که به وضوح می‌توان در شعرهای او دید، اما ناگفته نماند که او از طبعی

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



دلنشین و مهارت و تبخّر در فنون شاعری برخوردار بوده است. استخدام انواع فنون بلاغی به خصوص آرایه‌های لفظی و معنوی همچون انواع جناس و طباق و استفاده از فن تشبیه، دلیل مهارت او در شعر عربی و تسلط او بر ادب عربی است. او به مناسبت‌ها و اغراض گوناگون به سرایش شعر پرداخته که بخش عمده شعر او، در مدح رسول اکرم و امامان معصوم (ع) و وزرا و مجدالدین و خانواده اوست. او در هنر نویسندگی نیز چیره و زبردست بود؛ بنابراین می‌توان او را در زمره «الکتاب الشعراء» به‌شمار آورد.

او نه تنها ادیب و شاعر، بلکه فقیهی مفسّر، عارفی زاهد، واعظی بلیغ و مورّخی موثّق بوده و دیوان او صرف نظر از آنکه یک مجموعه شعری است، سند مهم و معتبر تاریخی است؛ سندی اصیل و ریشه‌دار که آئینه تمام‌نمای کاشان در عصر شاعر، به‌ویژه در بیان تراژدی هجوم سلجوقیان به این دیار و ثبت وحشی‌گری‌های آنان و ایثار و گذشت بزرگان آن روزگار است. پژوهش تاریخی دیوان این شاعر زوایای پنهان گذشته کاشان را روشن ساخته و اندیشه‌های ناب این عالم شیعی را بازشناسی می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
- الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة؛ صدرالدین علی بن احمد مدنی شیرازی معروف به سید علیخان، ج ۲، کتابخانه بصیرتی، قم ۱۳۹۷ق.
- الدعوات؛ ابی‌الحسین سعید بن عبدالله راوندی معروف به قطب‌الدین راوندی، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی (عج)، ج ۱، قم ۱۴۰۷ق (همان کتاب «النوادر» است).
- الطرائف الجعفریة من الأحادیث الأمامیة؛ آیه الله شیخ جعفر صبری قمی، ج ۱، انتشارات دارالتفسیر (اسماعیلیان).
- مناقب آل بابی طالب (المناقب الابن شهر آشوب)؛ لأبی جعفر رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی، المطبعة العلمیة، قم.
- نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور؛ برهان الاقاعی، کتابخانه اینترنتی، مدرسه فقهت،

www.eshia.ir